

غریب آشنا

نگاهی به رابطه دور ما و فردوسی به بهانه روز بزرگداشت حکیم توس

مسعود سلطانی - حتما بارها شنیده‌اید که ما ملت مُرده پرستی هستیم، اما صد حیف و هزار دریع که ما حتی مرده پرست هم نیستیم. بی توجهی ما به نخبگان کشورمان شامل حال درگذشتگان ما می‌شود و چه‌بسا قدرناشناسی امروز ما درقبال نخبگان معاصر، ریشه در بی توجهی هایمان به نخبگان و بزرگان تاریخی‌مان داشته باشد.

۱۲۵ رِدیبهشت، روز بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی، شاعر حماسه‌سرای ایران را پشت‌سر گذاشتیم؛ با چند جشن و جلسه و سخنرانی. خدمت فردوسی به ادبیات فارسی آن قدر بزرگ و بی نظیر بوده است که لزومی نداشته‌باشد درباره این مسئله صحبت کنیم، اما شاید مسئله مهم‌تر، «نسبت میان ما و فردوسی» باشد.

ما مشهدی‌ها که همسایه زادگاه و آرامگاه شاعر توس هستیم و همشهری او محسوب می‌شویم، چقدر وی را می‌شناسیم و کسانی که از آن سوی مرزها برای آموختن ادبیات فارسی به ایران آمده‌اند، چقدر او را می‌شناسند؟

در این گزارش سعی کرده‌ایم با چند مشهدی اهل فرهنگ و مطالعه و چند دانشجوی غیرایرانی ادبیات فارسی درباره فردوسی صحبت کنیم تا این مشت، نمونه خروار باشد و درباره نسبت میان خودمان و فردوسی بهتر بدانیم.

خرید شاهنامه به‌خاطر جلد اکچری

فردوسی، مایه افتخار ما مشهدی‌هاست. بله، ادعای گزافی نیست‌اگر او را همشهری خودبدانیم. زادگاهش (روستای پاژ) و آرامگاهش (توس) در چندکیلومتری مشهد است. «فردوسی استخوان بازوی ایرانیان را قوی ساخت وقلب مردم پارسی‌زبان را فراخ‌وسینه‌های آنان را پهن و…» این جملات تعابیر ملک‌الشعرای بهار درباره فردوسی است.

اما اگر امروز در گوشه‌وکنار خیابان یک نفر روبرویتان بایستد و از فردوسی بپرسد، چقدر او را می‌شناسید؟! مقایسه فردوسی با حافظ یا سایر شعرای بزرگ، کار بیهوده‌ای است، چون هر کدام سهم خود را در ادبیات دارند؛ با وجود این بیابید به خودمان اجازه دهیم که همشهری‌های حافظ (شیرازی‌ها) را با همشهری‌های فردوسی (مشهدی‌ها) مقایسه کنیم.

رابطه حافظ با شیرازی‌ها چندان به توضیح احتیاج ندارد. یکی از خصوصیات بارز شیرازی‌ها، حافظ‌خوانی و علاقه‌شان به این شاعر بزرگ است. اما فردوسی برای مامشهدی‌ها چه جایگاهی دارد؟سالانه چندبار به آرامگاه او می‌رویم؟ چند بیت از شاهنامه خوانده‌ایم و در خاطر داریم؟ ابتدا می‌خواستیم این

نیست؟ او در جوابم می‌گوید: «به‌جز فردوسی، بسیاری دیگر از بزرگان نظیر خواجه‌نصیرالدین توسی و امام‌محمد غزالی در مشهد زیسته‌اند که جایگاه و شأن ویژه‌ای دارند، اما به‌نظم عموم مشهدی‌ها نمی‌دانند شخصیت بزرگی همچون امام‌محمد غزالی مشهدی بوده است.»مدیر کافه کتاب آفتاب معتقد است مشهدی‌ها، امام‌رضاع(ع) را یک طرف گذاشته‌اند و هر شخصیت بزرگ دیگر را در سوی دیگر، و از همین‌روست که‌به‌بزرگان‌ومشاهیر مشهدی بی‌مهری شده است. باوجود این قدسی می‌گوید: «درباره بی توجهی مردم مشهد به بزرگان شهر باید متخصصان نظر بدهند.»از کنار حوض‌های خالی از آب‌بازارچه کتاب‌گلستان می‌گذرم‌وتصویر خانه‌ویران فردوسی در پاژ و صحن سوت‌و‌کوکو آرامگاهش در توس جلوی چشم‌رژه می‌رود.

فردوسی برای غیرایرانی‌ها

هر قدر فردوسی میان مردم مشهد غریب و مهجور است، به‌همان اندازه، میان کارشناسان اهل فن در جای جای کره خاکی و با هر زبانی، نامی آشنا می‌شود. برای چشیدن طعم شیرین شناخت فردوسی در میان سایر ملل، سراغ دانشجویان غیر ایرانی دانشگاه فردوسی رفتم و با دانشجویانی هم‌کلام شدم که «حکیم ابوالقاسم فردوسی» در ذهنشان، جایگاهی آن بالا بالا‌ها داشت، دانشجویانی که در مقاطع مختلف مشغول تحصیل در رشته ادبیات فارسی بودند.

اورابه دانشجویانم معرفی می‌کنم

محمدعیس کاظم، دانشجوی دکتری ادبیات فارسی است و از عراق به دانشگاه فردوسی آمده است تا تحصیلات خود را تکمیل کند و به عراق بازگردد. او می‌گوید: «فردوسی، شاعر بسیار بزرگی است و متخصصان ادبیات در عراق، او را کاملاً می‌شناسند، اما مردم عادی شناخت خیلی کمی از او دارند. قبل از سال ۲۰۰۳ که کشورمان درگیر جنگ نبود، توجه به ادبیات‌و شعر خیلی بیشتر بود و برای شعرای بزرگ، آیین‌ها و مراسم زیادی برگزار می‌شد، اما جنگ، عراق را از ادبیات دور کرده است. امیدوارم وقتی به عراق برگشتم و گروه ادبیات فارسی را در دانشگاه استان واسط» راه انداختم، بیشتر به فردوسی بپردازم و او را به دانشجویان معرفی کنم.»

در تاجیکستان شعرهای فردوسی را حفظ می‌کنیم

علی اکبر رجبعلی هم دانشجوی ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی است و از تاجیکستان به مشهد آمده است. او درباره میزان علاقه تاجیک‌ها به فردوسی می‌گوید: «مردم کشور من غالباً فردوسی را می‌شناسند و اشعاری از او در حافظه دارند. البته چون خط نوشتاری ما فارسی نیست، مردم ما نمی‌توانند نسخه فارسی شاهنامه را بخوانند و نسخه «نیگان» (خط روسی تاجیکستان) شاهنامه را می‌خوانند. در تاجیکستان، جشن‌های بسیار مفصلی به‌مناسبت نوروز برگزار می‌شود و در آن جشن‌ها، گروه‌های مختلف زن‌ها، مردها، دخترها و پسرها، لباس‌های مخصوص به تن می‌کنند و اشعار فردوسی در این جشن‌ها و شب‌نشینی‌های نوروزی خوانده می‌شود. ما در تاجیکستان به‌شاعر بزرگمان، رودکی، خیلی افتخار می‌کنیم و مردم ما رابطه زیادی با این شاعر دارند و حتی بین مردم تاجیکستان این مطلب همیشه مطرح است که رودکی برای ماست و نه ایرانی‌ها!»

<div><div>۵</div></div>	
یادداشت	
	
<div><div></div><div><div>سیدمهدی‌سیدی*</div></div></div>	

	
	

عواقبیت تلخ درباره ما و فردوسی

چندسال پیش، مدیر کل آموزش‌وپرورش در مصاحبه‌ای، قریب به مضمون گفته بود اگر همین امروز حافظ و سعدی به آموزش‌وپرورش برای استخدام مراجعه کنند، حافظ احتمالاً به‌مشکل برمی‌خورد و استخدام نمی‌شود، اما سعدی را شاید قبول کنیم! این طرز تفکر واقعاً وجود دارد؛ یعنی حافظ را به‌عنوان معلم ادبیات فارسی هم مناسب نمی‌دانند و این‌جان‌کلام من است. مگر مولوی، عطار، خیام‌ودیگر شعرای بزرگ ما مورد توجه هستند که فردوسی مورد توجه قرار بگیرد؟!

اول- چندی پیش، هشتصدمین سالروز تولد مولانا در سطح جهانی برگزار شد، اما مراسمی که در تهران به همین مناسبت قرار بود برگزار شود، به‌هم خورد!متأسفانه این مشکلات درباره شاعران بزرگ کشور ما وجود دارد. به نظر می‌رسد بعضی افراد، با فرهنگ این مملکت بیگانه هستند، اما مسئولیت فرهنگی دارند و عامدانه خط قرمزهایی را وضع می‌کنند تا به بزرگان شعر و ادب بی توجهی شود. چه‌بسا زمانی می‌خواستند آرامگاه فردوسی را تخریب کنند که خوشبختانه این اتفاق نیفتاد.

دوم- واقعیت دیگر، این است که هر کدام از این بزرگان در زمان خود رسالتی داشتند و مردم هم این رسالت‌را فهمیدند و نسل درنسل به این بزرگان احترام گذاشته‌اند. اما اکنون ممکن است دیگر آن رسالت مطرح نباشد.

رسالت فردوسی با نیازهای امروز مردم تفاوت دارد و خواسته‌های مردم، چیز دیگری است و این می‌تواند یکی از دلایل بی توجهی مردم به فردوسی و سایر شاعران بزرگ باشد. البته فردوسی یا سایر بزرگان، نقش جهانی خود را ایفا کرده و در تاریخ اثر خود را باقی گذاشته‌اند و اندیشمندان در تمام اعصار از اشعار این بزرگان استفاده می‌کنند.

سوم- هویت اصلی شهر مشهد، بارگاه منور حضرت علی بن موسی الرضا(ع) است. هر چا نامی از مشهد به میان می‌آید، ابتدا حرم امام‌رضاع(ع) در ذهن تداعی می‌شود و در مرتبه بعد، آرامگاه فردوسی مدنظر قرار می‌گیرد و این امری طبیعی و عقلمانی است. اما آیا میزان توجه‌به فردوسی به‌اندازه دومین عنصر هویت‌ساز شهر مشهد هست؟ بی‌تردید پاسخ این سؤال منفی است. البته این امر دلایلی دارد؛ مثلاً اگر آرامگاه فردوسی داخل شهر بود بیشتر به آن توجه می‌شد، در صورتی‌که اکنون دوری راه، جاده خراب، نبود سرویس رفت‌وآمد و… باعث شده توجه مردم به آرامگاه فردوسی کمتر باشد.

چهارم- فردوسی، از هویت ملی ماصحبت کرده است و این، یکی از دلایل بی‌مهری به این شاعر بزرگ است. هر شاعری به موضوعی در اشعارش مشهور است؛ فردوسی به سروده‌های حماسی و ملی، مولانا به اشعار عرفانی و… در حال حاضر نیز اشعار ملی و هویت قبل از اسلام ایران خیلی مورد اقبال نیست و همین امر نیز در بی توجهی به فردوسی اثر گذاشته است. البته شاهنامه فقط قصه رستم و دیوسپید نیست و پر از حکمت است. اگر شاهنامه خوانده شود، کلی پند و حکمت از اسلام و تشیع دارد، اما به‌اندازه کافی به آن توجه نکرده‌ایم.

چهارم- فردوسی، از هویت ملی ماصحبت کرده است و این، یکی از دلایل بی‌مهری به این شاعر بزرگ است. هر شاعری به موضوعی در اشعارش مشهور است؛ فردوسی به سروده‌های حماسی و ملی، مولانا به اشعار عرفانی و… در حال حاضر نیز اشعار ملی و هویت قبل از اسلام ایران خیلی مورد اقبال نیست و همین امر نیز در بی توجهی به فردوسی اثر گذاشته است. البته شاهنامه فقط قصه رستم و دیوسپید نیست و پر از حکمت است. اگر شاهنامه خوانده شود، کلی پند و حکمت از اسلام و تشیع دارد، اما به‌اندازه کافی به آن توجه نکرده‌ایم.

ششم- روستای پاژ و زادگاه فردوسی نیز مهجور است. در واقع پاژ روستا نبوده؛ شهرکی فرهنگی بوده‌و در تاریخ توس، نقش بسیار مهمی داشته‌است. بر اساس تحقیقات صورت گرفته ۹ شخصیت مهم به‌جز فردوسی در پاژ زیسته‌اند، شخصیت‌هایی که در زمینه فلسفه، ریاضیات، پزشکی و ادبیات فعالیت داشته‌اند. اما پاژ مورد توجه نیست و تبدیل به یک بیغوله شده است. وقتی میهمانانی از خارج می‌آیند و می‌خواهیم پاژ را به آن‌ها نشان بدهیم، خجالت می‌کشیم. دریح که همه این مسئله را می‌دانند اما کار شایسته‌ای انجام نمی‌دهند.

*** پژوهشگر تاریخ مشهد**

خانه بزرگان و مشاهیر در همه کشورها حفظ می‌شود، به جز ایران

اگر خانه فردوسی اینجان بود

ویران. در کشورهای خارجی با حفظ خانه مشاهیر، راه ارتباط جامعه را با این بزرگان زنده نگاه می‌دارند. علاوه بر پیامدهای فرهنگی مثبت این کار در جامعه، حفظ خانه‌های تاریخی یکی از راه‌های مهم درآمدزایی در حوزه گردشگری تاریخی محسوب می‌شود.



خانه پوشکین، گوگول، داستایفسکی، تولستوی، چخوف، گورکی (روسیه)

خانه محل اقامت داستایفسکی (تصویر بالا) در شهر سنت‌پترزبورگ، خانه‌ای که در جوانی ساکن آن‌شد و تا زمان مرگش در آن زندگی کرد، حفظ و بازسازی شده‌است.

این خانه را با توضیحات همرس و نزدیک‌ترین دوستانش به همان شکلی بازسازی کرده‌اند که نویسنده در آن سکونت داشته است. در این موزه‌خانه، مجموعه‌ای از تصاویر، دست‌نوشته‌ها، کتاب‌ها و سایر وسایل متعلق به نویسنده به نمایش درآمده است که با راهنمای صوتی اطلاعات فوق‌العاده‌ای در اختیار بازدیدکنندگان می‌گذارد.

روسیه، کشوری است که حسابی قدر مشاهیر و بزرگانش را دانسته و خانه‌های آن‌ها را حفظ و تبدیل به موزه کرده است. خانه پوشکین در مسکو، عمارت تولستوی در شهر «یاسنایا پالیانا» (در ۲۰۰کیلومتری مسکو)، خانه چخوف در مسکو، خانه پدری گورکی در «نیزنی نوگورود» (بر ساحل رود «ولگا» در ۴۰۰کیلومتری شرق مسکو) از آن جمله است. البته نویسندگان و شاعران روسی زیادی هستند که خانه‌هایشان حفظ شده است، اما ما به‌همین چندنمونه بسنده کردیم.



خانه ارنست همینگوی (آمریکا)

خانه موزه ارنست همینگوی، نویسنده بزرگ آمریکایی و برنده جایزه نوبل ادبیات نیز سایت مشخصی دارد و با ورود به آن، با بخش‌های مختلف خانه این نویسنده آشنا می‌شوید.

علاقه‌مندان به این نویسنده بزرگ، مراسم مهم زندگی خود نظیر جشن ازدواجشان را در این خانه برگزار می‌کنند.

خانه ارنست همینگوی، عمارتی دوطبقه به مساحت دوهزار و ۵۰۰متر است و در جزیره کوچک «کی‌وست» در ایالت فلوریدا در آمریکای شمالی قرار دارد. علاوه بر آثار، نامه‌ها و دست‌نوشته‌های همینگوی که در این خانه حفظ شده‌اند، فرزندان گربه‌های موردعلاقه او زادوولد کرده‌اند و هنوز در این خانه زندگی می‌کنند.

اسباب و وسایل زندگی همینگوی همچنان در خانه قرار دارد و همین موضوع به جذابیت این خانه افزوده است. هزینه شرکت در تور خانه‌موزه همینگوی برای هر نفر ۱۴دلار است و گروه‌های بیش از ۱۲ نفر با پرداخت ۱۱دلار به‌ازای هر نفر می‌توانند از این خانه‌موزه بازدید شده است!

^[1] به جز ایران